

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۲/۲۴

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش‌های مهدوی

سال هشتم، شماره ۲۹، تابستان ۱۳۹۸

## حذف عالمان دین راهبرد مشترک فرق انحرافی و مدعیان دروغین مهدویت

محمدصابر جعفری<sup>۱</sup>

### چکیده

فرق انحرافی و مدعیان مهدویت، در راستای انحراف افراد و جوامع، و مقابله با مسیر هدایت؛ مراکز فکری و هدایت‌گری جامعه (علماء) را مورد حمله قرار می‌دهند و به منظور منع تحقق هدایت‌گری، سعی در ایجاد فاصله بین عموم مردم و علماء دارند. این مقابله با جبهه حق در گذشته نیز سابقه داشته و دشمنان برای حذف اهل بیت علیهم‌السلام از هدایت‌گری با جلوگیری از تماس مردم با ایشان و منع حدیث در جنبه فکری - فرهنگی و با منع فدک در حوزه زدودن قدرت اقتصادی به تضعیف جبهه حق پرداختند؛ امروزه نیز فرقه‌های انحرافی و مدعیان مهدویت برای انحراف جوامع، حذف روحانیت را، در دستور کار خود قرار می‌دهند.

بدنام کردن و اتهام‌زنی به علماء، ادعای عدم نیاز به عالمان و تقلید، تحلیل خمس، ادعای ارتباط مستقیم با امام زمان علیه‌السلام با عناوین رکن رابع، هادی، ووصی، و نیز ادعای مهدویت، از شگردهای مدعیان و فرق انحرافی برای دست‌یابی به اهدافشان است.

عملکرد ناصالح برخی عالم نمایان و گاه غفلت‌ها و عدم ورود عالمان و حوزه‌های علمیه به طور تخصصی و فنی در تبیین و تفسیر مفاهیم دینی نیز

---

۱. سطح چهار کلام و عضو هیأت علمی مؤسسه آینده روشن (پژوهش‌گده مهدویت) قم  
(Jafarimsaber@yahoo.com).

به این مسئله دامن می‌زند.

تبیین جایگاه علماء در حفظ دین، مقابله با انحرافات، تولی جامعه به عنوان نیابت و وکالت عامه، بیان اهمیت اجتهاد، برهان و استدلال، تبیین جایگاه خمس، موضع‌گیری مناسب، برنامه ریزی فرهنگی و میدان ندادن به عالمان فاسد، برخی از راه کارهای بیرون رفت از این دسیسه است. این تحقیق با روش کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی - تحلیلی این خطر را بررسی کرده و با شناسایی و معرفی شیوه‌ها و روش‌های آنها در حذف علماء، و ارائه راه‌کار صحیح مقابله با آن تلاش دارد جامعه را از این آسیب حفظ کند.

#### واژگان کلیدی

مهدویت، عالمان دینی، فرق انحرافی، مدعیان دروغین.

#### مقدمه

هر مکتب و نظامی برای بقای خویش به علم<sup>۱</sup> و قدرت (سیاسی - اقتصادی) نیازمند است؛ علم و آگاهی برای تشخیص راه از بیراهه، طی مسیر درست و صحیح و نجات از گمراهان و گمراهی‌ها؛

و قدرت که دارای ابعاد مختلف نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، جغرافیایی و... است؛<sup>۲</sup> برای ادامه حیات و ماندگاری.

۱. «وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ؛ وَوَرِّثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عُلِّمْنَا مَنَاطِقَ الطَّيْرِ وَأُوتِينَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ» (نمل: ۱۵-۱۶) ما به داود و سلیمان علم و دانش فراوان بخشیدیم و آنها گفتند: سپاس خداوندی را که ما را بر بسیاری از بندگان مؤمنش برتری بخشیده. سلیمان وارث داوود شد و گفت: ای مردم! سخن گفتن پرندگان به ما تعلیم داده شده است و از هر چیزی هم به ما عطا گردیده که اینها خود فضیلت آشکاری است؛ حضرت امیرالمومنین علیه السلام فرمود: «العلم سلطان من وجده صال و من لم يجده صیل علیه» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ۳۱۹)؛ «العلم سلطان»؛ «سلطان» یعنی اقتدار؛ علم، اقتدار است؛ هر کسی که آن را داشته باشد «صال»، یعنی دست قدرتمند را خواهد داشت؛ هرکس که آن را نداشته باشد «صیل علیه»، [یعنی دست قدرتمندی بر سر او خواهد آمد یعنی زیر دست خواهد شد؛ (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ۳۱۹)؛ علم و دانش منشأ قدرت و پیشرفت است. علم مایه قدرت و ثروت است.... برای یک ملت، علم وسیله‌ای است برای رسیدن به اقتدار ملی و ثروت ملی. (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷/۰۶/۰۵)

۲. قدرت کشورها که عموماً از آن تحت عنوان قدرت ملی یاد می‌شود، دارای ابعاد مختلف نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، جغرافیایی و... می‌باشد. (سیدهادی زرقانی، تحلیل و ارزیابی متغیرها و شاخص‌های قدرت نظامی، مجله راهبرد دفاعی، شماره ۲۳، ۷۷-۱۱۳) در بعد اجتماعی، زمینه‌های مردمی نیز از عوامل قدرت

یکی از مشترکات تمامی جریان‌ها و فرقه‌های انحرافی زدودن قدرت علمی و اقتصادی جامعه دینی است از این رو دشمنان شیعه خصوصاً سردمداران فرق ضاله و مدعیان دروغین، با علماء به عنوان شاخص قدرت علمی و خط مقدم جبهه مبارزه با بدعت‌ها و روشنگران گمراهی‌ها عناد دارند و در پی بدنام کردن و به حاشیه راندن علماء و زدودن نفوذ سیاسی و قدرت اقتصادی ایشان هستند.

با حذف عالمان دینی و کنار گذاشتن آنان توسط جریان انحرافی؛ از سویی مراجعه به علماء به عنوان نایبان امام و ناقلان و مفسران کلام ائمه اطهار علیهم‌السلام کم می‌شود و با خلاء علماء، شیاطین میدان دار خواهند شد و از دیگر سو با حذف آنان، سازمان مالی شیعه که در راستای حفظ دین، و نشر علوم و یاری ضعفای شیعه است، از میان می‌رود.

حتی سکولارهای مذهبی و غیرمذهبی که به دنبال حذف دین یا به ادعای خودشان صیانت از دین هستند نیز در امر حذف روحانیت با سایر مدعیان مشترکند. سکولارهای مذهبی روحانیت را در ساحت فتوا و امور فردی منحصر کرده و مانع ورود و فعالیت دین و متولیان آن در زمینه‌های دیگر می‌شوند و با این کار عملاً روحانیت حذف شده و سکولارهای غیرمذهبی نیز ورود دین در حوزه اجتماع را ناصواب می‌دانند.

شناخت فرقه‌ها و مدعیان دروغین مهدویت و توجه به نوع عملکرد و پیامدهای ادعای آنان و هم‌چنین درک تفاوت رفتاری و گوناگونی مواجهات آنان برای جذب یا حذف افراد و گروه‌های مختلف، اهمیت به‌سزایی دارد.

### پیشینه‌شناسی پژوهش

هرچند موضوع فرقه‌ها و مدعیان دروغین، تحلیل چرایی تحقق و پیشرفت آنان، گونه‌ها و طرفندها و ادعاهای مختلف آنان؛ مدت‌هاست که مورد توجه محققان قرار گرفته است<sup>۱</sup> اما

محسوب می‌گردد.

۱. ر.ک: کتاب البابیون فی التاریخ عبدالرزاق الحسن، کتاب البابیة و البهائیة عباس کاظم مراد و مصادر دراستها، کتاب شیخی‌گری و بابی‌گری مرتضی مدرسی چهاردهی، کتاب دولت موحدون در غرب جهان اسلام عزالدین عمر موسی، کتاب القادیانی و القادیانیه ندوی، کتاب القادیانیه شیخ سلیمان الظاهر العاملی، کتاب مهدی از صدر اسلام تا قرن سیزدهم جیمز دارمستتر، کتاب دعوی السفارة فی الغیبة الکبری محمد سند، کتاب المهدیه فی الاسلام سعد محمدحسن، کتاب مدعیان مهدویت احمد سروش، کتاب المهدی و المهدویة احمد امین، کتاب ادیان و مهدویت

آن چه در این پژوهش‌ها کمتر مورد کاوش واقع شده؛ موضوع تقابل آنان با روحانیت و علماست با آن‌که همه یا اکثر فرق انحرافی از این شگرد بهره می‌برند.

### پیشینه حذف علم و قدرت

پس از رحلت پیامبر گرامی اسلام ﷺ، دشمنان با توهین و تخریب اهل بیت علیهم‌السلام و منع نشر حدیث، جامعه را از راهنمایان واقعی جدا کرده و از نور هدایت محروم کردند و موجبات انزوا و حذف ائمه اطهار علیهم‌السلام را فراهم نمودند و از دیگر سو با انتشار روایات دروغین و جعلی و محور ساختن افرادی نظیر کعب الاحبار یهودی و... کار را به جایی رساند که مراجعه به امام حسن مجتبی و امام حسین و حتی امام سجاد علیهم‌السلام بسیار اندک، تعداد روایات از آنان خیلی کم و مراجعات نیز معمولاً غیر فقهی است. «روزگار امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام، دورانی سخت و تیره از جهت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بوده و مراجعه مردم و احساس نیاز و یادگیری بسیار کم بود. سختگیری حکومت معاویه سبب شد که حتی شیعیان نیز در محضر این دو امام، حاضر نباشند. به نظر وی طبیعی است که میراث حدیثی این دو امام بزرگوار نیز بسیار محدود و اندک باشد. سخنانی که از ایشان در دسترس ماست، برخی به موعظه‌های شخصی مربوط است و بعضی دیگر به احتجاج و تبیین فضایل اهل بیت علیهم‌السلام پرداخته است. گفتنی است که دوان شش ماهه قیام امام حسین علیهم‌السلام دورانی ویژه در بیان معارف اصیل اسلامی در مواجهه با ظلم و تعدی حاکمان و ترغیب به آزادگی و تعالی روح است». (سیدطباطبایی، ۱۳۸۸: ج ۱، ۱۲۱) وضعیت سیاسی و اجتماعی در روزگار امام سجاد علیهم‌السلام، نابه‌سامان و سخت بود ولی به سبب مظلومیت پدید آمده از حادثه کربلا و دوران طولانی امامت امام سجاد علیهم‌السلام، میراث حدیثی باقیمانده از ایشان بیش از حسنین علیهم‌السلام است. *صحیفه سجادیه*، *رساله حقوق و رساله زهد*، از جمله مکتوبات حدیثی باقیمانده از ایشان است. امام سجاد علیهم‌السلام در دعا و مناجات شهره بوده و مجموعه ادعیه ایشان، بسی بیشتر از *صحیفه سجادیه* است؛ اگرچه شهرت صحیفه را ندارد، زیرا کتاب *صحیفه سجادیه* از مشهورترین و پرنسخه‌ترین کتاب‌های حدیثی است که شروح فراوانی

محمد بهشتی، کتاب مهدیان دروغین و رسول جعفریان، کتاب اشباح انحراف جواد اسحاقیان، کتاب درسنامه فرقه‌های انحرافی (شیخیه، بابیه و بهائیت) احمد حاج‌قلی، حجت حیدری چراتی، جواد اسحاقیان و محمدعلی حججی، مقاله گونه‌شناسی مدعیان دروغین نعمت‌الله صفری فروشانی و امیرمحسن عرفان، فصلنامه مشرق موعود شماره ۳۰، و کتاب مواجهه ائمه با مدعیان مهدویت امیرمحسن عرفان.

دارد. (سیدطباطبایی، ۱۳۸۸: ج ۱، ۱۴۰) هر چند مراجعه به ایشان نیز بیشتر غیر فقهی است و دیگرانی مانند زهری به عنوان فقیه مطرح‌اند.

در راستای زدودن قدرت اقتصادی اهل بیت علیهم‌السلام، نیز فدک مورد هجمه قرار گرفت؛ فدکی که پشتوانه مساعدت به محرومان و ضعیفان شیعه بود، توسط حاکمان غصب گردید و به خیال خود قدرت یاری محرومان و تحقق برخی اهداف را از ائمه علیهم‌السلام سلب کردند. امروزه نیز مدعیان با هدف تضعیف جبهه حق و خلع سلاح علمی و اقتصادی در پی جدا ساختن مردم از علماء هستند.

در ماجرای بابیت و بهائیت، منحرفان به تفسیر غلط و انحرافانه قرآن و روایات می‌پردازند و تا آن جا پیش می‌روند که ادعای نسخ دین اسلام را بیان می‌دارند. طبیعی است با بیان نسخ دین نه جایی برای دین می‌ماند و نه جایی برای تبیین عالمان و روحانیان.

احمد اسماعیل<sup>۱</sup> نیز که ادعای امامت دارد رسماً به دنبال حذف روحانیت، علماء و فقهاست و از ذکر آن نیز ابایی ندارد. وی با یارگیری از میان برخی طلاب و روحانیون، مبارزه را فنی و پیچیده‌تر می‌کند؛ آنها با حذف علماء و حذف روش عالمانه اجتهادی (بررسی سند و دلالت و...) از سویی و یارگیری از بین روحانیان که با شیوه‌های تبلیغ آشنا هستند از دیگر سو اهداف خود را پی می‌گیرند.

### شیوه‌های مدعیان و فرق در حذف علماء و روحانیت

مدعیان دروغین در زمان‌های پیشین با حمایت حاکمان، کم و بیش به اهداف خود دست

۱. احمد بن اسماعیل، در سال ۱۹۷۰ م (۱۳۴۹ ش)، در شهر بصره عراق متولد و زندگی کرده و تحصیلاتش را تا لیسانس و اخذ مدرک مهندسی معماری ادامه داده است. ادعا دارد که در اواخر سال ۱۹۹۹ م (۱۳۷۸ ش) و در سن ۲۹ سالگی به امر امام مهدی علیه‌السلام به نجف هجرت کرده (ادله جامع یمانی، انتشارات انصار الامام المهدی) او در طی سال‌های حضورش در نجف، با حوزه در تماس بوده، اما در آن تحصیل نمی‌کرد. احمد حسن علاوه بر ادعای ارتباط با امام زمان علیه‌السلام، خود را امام مهدی علیه‌السلام، یمانی و فرزند امام مهدی و وصی او می‌داند. (احمدالحسن، بی تا(ه): ج ۱، ۴، ۲۹۹) او هم چنین ادعای نبوت (کتاب نبوت، خاتمه باب نبوت در زمان حضرت مهدی علیه‌السلام) و نیابت از طرف حضرت مهدی علیه‌السلام دارد. (احمدالحسن، بی تا(ج): قسمت اول، ۲) وی می‌گوید: «لَا أَقُولُ وَلَمْ أَقُلْ إِنِّي الْإِمَامُ الْمَهْدِيُّ علیه‌السلام بَلْ أَنَا الْمَهْدِيُّ الْأَوَّلُ مِنْ وَلَدِهِ وَرَسُولُهُ وَوَصِيِّهِ وَالْيَمَانِيُّ»؛ (هرگز نگفته و نمی‌گویم که من امام مهدی علیه‌السلام هستم، بلکه من مهدی اول از اولاد امام و فرستاده و جانشین و یمانی هستم. (احمدالحسن، بی تا(ب): ج ۱، ۴۰)

می‌یافتند اما در عصر حاضر و با وجود حکومت اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه توان مقابله رو در رو از آنها سلب شده و بر همین اساس با بهره‌گیری از روش‌های نرم و خزنده به نفوذ از روزنه ایجاد شبهه در اعتقادات و گسترش تفکرات انحرافی در پوشش دینی و مذهبی روی آورده‌اند.

بررسی سخنان مدعیان و فرق انحرافی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به حذف روحانیت و علماء تشویق می‌کنند ما را با اهداف، شگردها و ترفندهای ایشان آشنا می‌کند؛ هرچند جریانات منحرف تاکتیک‌ها، اهداف و استراتژی‌های خود را شفاف و با صراحت بیان نمی‌کنند، بر همین اساس نباید به گزارش‌های رسیده از ایشان اکتفاء کرد و توقع صراحت در عناد با روحانیت را از آنها داشت.

مدعیان در تلاش برای حذف روحانیت، دارای برنامه‌های پیچیده، شگردها و راهکارهایی متنوعی هستند؛ و برای رسیدن به این هدف چند مرحله را طی می‌کنند:

#### گام اول: جداسازی از مراکز هدایت‌گری

مدعیان در این شیوه عوام جامعه را از علماء جدا کرده و بین ایشان فاصله می‌اندازند و این هدف را با چند روش دنبال می‌کنند:

۱. **عدم اعتناء به اجتهاد، برهان و استدلال و در نتیجه عدم لزوم مراجعه به فقهاء و علماء**  
یکی از حرب‌های مدعیان عدم اعتنا به برهان و استدلال و هم‌چنین عدم اعتنا به اجتهاد و عدم لزوم تقلید از مجتهدان و عالمان است و با این تفکر بین پیروان خود و علم و علماء فاصله می‌اندازند.

به عنوان نمونه: شیخ احمد احسائی، دارای مسلک اخباری‌گری بود وی جهت خودداری از مراجعه به عقل، در مقابل اصولیونی که از عقل استفاده می‌کردند، مدعی ارتباط مستقیم با امام معصوم شد و ادعا کرد که از طریق مکاشفه، خواب و الهام مجهولات خود را از امام معصوم پاسخ می‌گیرد و نیازی به طریق معمول علماء در پاسخ به سوالات ندارد؛ او می‌گفت: در طریق من مکاشفه و شهود است، نه برهان و استدلال. (زاهدانی زاهد، ۱۳۸۰ش: ۸۷)

با پذیرش ادعای او رجوع جاهل به عالم و مجتهد و تقلید از آنان مسیر اصلی نبوده و راه حقیقی، شهود و مکاشفه است آن هم مکاشفه خود شخص (تهرانی، ۱۳۴۶ش: ج ۱، ۱۰۹؛ رضائزاد، ۱۳۸۱ش) و در مقابل این شهود و مکاشفه ادعایی، برهان و استدلال معنا ندارد. و این خشت کج، دیوار کجی را پایه‌گذاری می‌کند که علی محمد باب، ملاحسین بشرویه و

حسینعلی بها از آن زاده می‌شوند. علی محمد باب به جای رکن رابع، خود را باب مطرح می‌نماید. و طبعاً با بودن باب و ارتباط مستقیم با حضرت، جایی برای اجتهاد علماء، و فقهاء نمی‌ماند و تنها راه، مراجعه به خود اوست؛ چنان‌که در ادعاهای خود نیز به صراحت بیان می‌دارد:

درس خواندن و درس دادن در هر رشته و هر علمی حرام است، مگر آن چه خود «باب» نوشته یا در امر ترویج بابیت بنویسند. (شیرازی، بی تا: ۱۳۰)

به دستور باب باید همه کتاب‌های علمی جهان در هر رشته به کلی از بین برده شود، جز کتاب‌هایی که در ترویج امر او بنویسند. (همو: ۱۹۸)

احمد اسماعیل الگاطع مدعی یمانی، وصایت و فرزندگی امام نیز مراجعه به علماء و تقلید از فقها را بدعت دانسته ارجاع وجوهات به فقها را منع کرده (هر چند این وجوهات را برای خود می‌طلبد) و فهم همه علماء را خطا دانسته، روش اجتهادی سندی و رجالی را به تمسخر گرفته رد می‌کند. (عبدالعلی المنصوری، ۱۴۳۳ق)

## ۲. منفور کردن علماء و فقها و متهم ساختن ایشان به تقابل با امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف

یکی دیگر از شگردهای مدعیان و منحرفان در جهت جداسازی مردم از علماء، توهین به علماء، فقهاء و مراجع و ایراد اتهامات مختلف به ایشان و بیان این مطلب که علماء هنگام ظهور در مقابل امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌ایستند، و مستند ایشان نیز برخی روایات است که مواجهه گروهی از عالم‌نمایان با امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را در هنگام ظهور گزارش می‌کند، در جزواتی که به نام انصار احمد اسماعیل مدعی یمانی و وصایت منتشر شده، از این‌گونه اتهامات فراوان دیده می‌شود؛ به هر بهانه، عبارت علماء سوء، علمای غیر عامل و علمای مخالف حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به کار می‌برد؛ آیات و روایات مختلف را در مذمت علماء تفسیر می‌کند از آنان با تعبیر سامری امت، حمیر، کافر و قریشی که حضرت آنان را از بین می‌برد، یاد می‌کند. (رک: المتشابهات؛ الجواب المنیر عبر الاثیر و...) وی علماء را به عنوان این‌که فقهای سوء و ظلمه‌اند رد می‌کند. (السالم، ۱۴۳۲ق: ۱۳۹)

۱۱

تبیین و پاسخ به روایات تقابل علماء با امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف مجال دیگری می‌طلبد. البته مدعیان داخلی با آن‌که مرجعیت و وساطت علماء را رد می‌کنند؛ برای مصون بودن از اتهام سیاسی‌گری، هر چند گاه نام امام راحل و مقام معظم رهبری و مراجع را بر زبان می‌آورند.

علی یعقوبی<sup>۱</sup> برای مصون ماندن از اتهام سیاسی‌گری و مخالفت با نظام و انقلاب؛ و یا جذب نیروهای مومن، نام امام و مقام معظم رهبری را به زبان می‌آورد (یعقوبی، ۱۳۷۹ش، جلسه ۸)<sup>۲</sup> ولی با سخنان و ادعاهایش مانند دیگر مدعیان دقیقاً مرجعیت و وساطت عامه علماء را در دوران غیبت رد می‌کند.

احمد اسماعیل و پیروانش فقهاء را غاصب حق خود می‌دانند (کورانی، ۱۳۹۱ش: ۶۰، ۵۹، ۳۰) و ایشان را مورد توهین و ناسزا قرار می‌دهند و این معنی در جزوات، سایت‌ها و شبکه‌های‌شان منعکس است و به صراحت ولایت فقیه را غصب ولایت می‌دانند و به صراحت آیت‌الله العظمی سیستانی را ضال و مضل می‌نامد. البته گاه برای جذب مؤمنان و معتقدان ایران و عراق، با عباراتی دو پهلو از آیت‌الله سیستانی و آیت‌الله خامنه‌ای سخن می‌گویند.

### گام دوم: کانالیزه کردن اطلاعات

پس از جدا کردن مردم از علماء، در راستای حفظ این فاصله، تمامی کانال‌های خبری و هدایتی را بی اعتبار و مردود اعلان کرده و خودشان را تنها منبع صحیح اطلاعاتی قلمداد می‌کنند و برای دستیابی به این هدف از چند حربه بهره می‌برند:

۱. علی یعقوبی (۱۳۴۴ش تهران)، دانشجوی اخراجی رشته پزشکی، حضور وی به عنوان یک قطب معنوی مربوط به اواخر دهه هفتاد است. این جریان در دهه هشتاد و به ویژه اواخر آن قوت بیشتری پیدا کرد، ولی پس از آن رو به افول نهاد، البته هنوز هم عده‌ای سعی در زنده نگه داشتن این جریان انحرافی داشته و در برخی شهرها به تبلیغ آموزه‌های وی می‌پردازند. وی ادعاهایی دارد که شنیدن آنها ما را در کشف شخصیت و اهدافش یاری می‌کند: مدعی انتفاع از نعمات خاصه؛ مدعی شفا دهندگی بیماران، ادعای جواز تقلید از فقهای صد سال پیش، ادعای فقاہت، و...، گفت‌وگویی با حضرت موسی علیه السلام. یکی از نکته‌های جالب در سخنان وی چگونگی سخن گفتن وی با حضرت موسی علیه السلام است. وی چنین می‌گوید:

موسی جان! شما اگر توان داری برو این شارون (را) که به اسم شما جنایت می‌کند جمع و جورش کن. من یواش یواش دارم عصبانی می‌شم. جناب موسی! نذار من عصبانی بشم. فقط همین جا تلویحاً عرض کنم: آقای موسی ای بزرگ قوم یهود! یا این یهودی‌ها را سر جایشان بشان و گرنه اگر بنده عصبانی بشوم ممکن است دست به يك کار [ی] بزنم؟ (<http://ferghenews.com>)

۲. ما افتخار می‌کنیم که دیگران ما را پیش مرگ رهبر معظم انقلاب بدانند. ابا نداریم. شنیده‌ایم که بعضی از افراد می‌گویند، این آقا از جانب بیت رهبر معظم انقلاب ماموریت دارد، از جانب خود رهبر معظم انقلاب ماموریت دارد، باید عرض کنم که بنده اصلاً دنبال این هستیم. از دو سه طریق دارم اقدام می‌کنم که زودتر بروم خدمت‌شان، بگویم آقا جان، يك چنین برنامه‌ای را شروع کرده‌ایم. اصلاً شما این موضوع را قبول دارید یا نه؟



### ۱. تحریم تقلید و مراجعه به علماء

به این موضوع در بخش جداسازی از مراکز هدایت اشاره شد که مدعیان با هدف ایجاد فاصله بین علماء و مردم تقلید را مورد حمله قرار می دهند، احمد اسماعیل الگاطع مراجعه به علماء و تقلید از فقها را بدعت می داند و در پاسخ سوالی دیگر، دادن خمس را به خود به عنوان وصی واجب می داند. (احمدالحسن، بی تا (د): سؤال ۴)

### ۲. تکفیر مخالفان

یکی از شگردهای مدعیان تکفیر مخالفین و منکرین ادعاهای شان است و پیامد این روش انحصار کانال اطلاعاتی مریدان است:

شیخیه معتقدند که هرکس از رکن رابع سر پیچی کند کافر است؛ مخالفین رکن رابع در غیبت کبری، مانند مخالفین نواب اربعه در غیبت صغری هستند. (رشتی، بی تا: ۳۱۷)

کرمانی در کتاب رساله در جواب چند نفر اهل همدان می نویسد:

چنین شخصی (رکن رابع) نائب خاص امام است و بر همه کس تسلیم امر او فرض است. اگر او را ببیند و بشناسد، هر کس از او تخلف ورزد، کافر است مثل سایر کفار و این نائب خاص مسلماً یک نفر است. (نجفی، ۱۳۵۷ ش: ۱۰۶)

### ۳. سوء استفاده از عطش بشر و ادعای فهم دین

فطرت پاک بشر خداجو و معنویت طلب است یکی از حربه های مدعیان، توجه به این عطش بشر و ادعای فهم کامل دین است و منجی گرایی و مهدویت از این جهت که جایگاه ویژه ای در مفاهیم دینی دارد و به دلیل این که مربوط به آینده است و مردم عطش بیشتری برای دانستن در مورد آن دارند بیشتر مورد توجه مدعیان و فرقه های انحرافی قرار گرفته و تلاش می کنند به بهانه برآورده شدن این عطش مطالب خود را القاء کرده و کلام دیگران را باطل جلوه دهند و به تخطئه تفسیر علمای دین و فقها پردازند و گاه نیز با طرح مسائل دو پهلو و تطبیق های رنگارنگ، در پی مرید پروری و دکان سازی اند و هر نوع ورود عالمانه (بررسی سند، بررسی رجال و...) و روش تبیین حقیقت و تشخیص سره از ناسره را بر نتافته و با انواع ابزارها به حذف علماء و روش عالمانه می پردازند و از آن جا که عالمان با آنان همراهی نمی کنند آنان را متهم به مخالفت با ظهور امام می نمایند.

سازندگان برنامه ظهور بسیار نزدیک است،<sup>۱</sup> عالمان مخالف رفتار خود را متهم به مخالفت با امام می‌کردند.

### گام سوم: بدل‌سازی

جریان‌ات انحرافی با جدا سازی افراد از چراغ‌های هدایت‌گر، و با محدود کردن کانال‌های اطلاعاتی مردم و جدا کردن ایشان از علماء، خود به جای نور هدایت قرار گرفته و با معرفی خویش به عنوان راهنمای سعادت، موجب فراموشی راه واقعی می‌شوند. داستان سامری نمونه قرآنی و ملموس بدل‌سازی است؛ وی برای فریب بنی‌اسرائیل گوساله‌ای ساخت و به جای خدا القاء نمود:

﴿فَأَخْرَجَ لَهُمْ عِجْلًا جَسَدًا لَهُ خُورٌ فَقَالُوا هَذَا إِلَهُكُمْ وَإِلَهُ مُوسَىٰ فَنَسِيَ﴾ (طه: ۸۸)؛

و برای آنها مجسمه گوساله‌ای را ساخت که صدایی شبیه گوساله داشت پس گفتند: این خدای شما و خدای موسی است، و ایمان را فراموش کرد.<sup>۲</sup>

مدعیان نیز پس از به حاشیه راندن علماء و بستن راه‌های دست‌یابی به اطلاعات، خود را جایگزین علماء کرده و به عنوان رابط بین امام و امت معرفی می‌کنند و در برخی موارد گام را فراتر نهاده ادعای مهدویت، نبوت و حتی الوهیت می‌نمایند. این ادعای ارتباط با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریح به طرق مختلفی همراه با ادعاهایی مطرح می‌گردد:

### ۱. ادعای وجود رکن رابع

زمانی که شیخ احمد احسائی بنیانگذار فرقه شیخیه، در کنار توحید، نبوت و امامت، اصل چهارمی به نام رکن رابع را مطرح نمود، شاید خیلی‌ها تصور می‌کردند که این مطلب صرفاً یک مسئله ذوقی یا مسلک عرفانی و امری شخصی است و تبعاتی در بر ندارد. اما زمان نشان داد که این تفکر عملاً منجر به بابیت از سویی و از سوی دیگر توقع ارتباط بی‌واسطه با امام توسط عده‌ای (با نام رکن رابع) و عملاً حذف راهکار مراجعه به علماء شد.

اصول دین در نزد عموم شیعیان پنج اصل توحید، نبوت، معاد، عدل و امامت است؛ ولی شیخیه معتقدند که اصول دین، ایمان به چهار اصل است: توحید، نبوت، امامت و پس از آن،

۱. سی‌دی‌ای که در تطبیق علائم ظهور بر افراد آمده و به طور گسترده بین مردم پخش گردید.

۲. البته برخی مفسران گفته‌اند این خدای شما و موسی است و موسی آن را فراموش کرده و در کوه طور به جستجوییش پرداخته است المیزان.

رکن چهارم شناخت شیعه کامل است که در زمان غیبت، واسطه فیض میان امام و مردم است. او احکام را بی واسطه از امام می گیرد و به دیگران می رساند.

در منابع شیخیه، عنوان رکن رابع را با عناوین مختلفی چون «نوکر مقرب»، «شیعه کامل»، «واسط فیض» و «وکیل» می توان دید و همه این واژگان و اسامی به کار رفته، همان معنای رکن رابع را دارند. (کرمانی، ۱۲۶۵ ش: ج ۴، ۱۰۸؛ سایکس، ۱۳۶۲ ش: ۳۵۴)

محمد کریم خان کرمانی، رکن رابع را شخص ثقه، امین، متقی و پرهیزکاری می داند که شب و روز خود را وقف نشر دین مولای خود می کند. (کرمانی، ۱۳۶۸ ق: ۱۲) برخی از شیخیه او را فردی معرفی نمودند که حتی در زمان غیبت کبری نیز امکان ملاقات مستمر با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را دارد. (ابراهیم، ۱۴۲۵ ق: ۲۳۳)

شیخ احمد در جای دیگر مدعی است که خود رکن رابع است و مدعی رابطه مستقیم و بی واسطه با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است که در خواب و بیداری مطالب را مستقیم می گیرد؛ و بدین سان سلسله خواب های شیخ احساسی که منبع کشف و الهام و علم وی به شمار می آیند، آغاز می شود. (هانری کربن، ۱۳۴۶ ش: ۲۰ و ۳۱)

احساسی فوق العاده بر این مطلب تاکید می کرد که علم وی برگرفته از سرچشمه معصومین علیهم السلام بوده و او مستقیماً از آن ذوات نورانی کسب علم کرده است؛ وی با تأکید بر این امر می گفت:

مسئله ای نبود که در بیداری مرا متوقف سازد، جز این که توضیح آن را در خواب ببینم. ادعای وی به این درجه رسیده بود که می گفت هر بار که در بیداری متوجه ائمه اطهار علیهم السلام می شدم، یکی از ایشان را می دیدم. پس از دیدار، مسئله با کلیه علل و شواهدش برایم واضح و ظاهر می گشت، به حدی که اگر تمام مردم با هم بر علیه من متحد می شدند، احدی توان نداشت در من شک وارد نماید، زیرا من دیده بودم. (هانری کربن، ۱۳۴۶ ش: ۲۲)

احساسی با اعتراض به مخالفت علمای شیعه با آراء و نظراتش می گفت:

من علم خود را از ائمه هدی علیهم السلام گرفتم و در کلمات من خطایی نیست به علت این که هر چه ثبت کردم در کتاب های خودم از ایشان است و ایشان معصوم اند از خطا و غفلت و هر کس (علوم خود را) از ایشان گرفت خطا نمی کند. (کاضمی قزوینی، ۱۳۴۲ ق: ۲۵۵)

مگر کسی در جامعه مسلمین به آن چه باقر و صادق علیهم السلام گفته اند ایراد گرفته است؟ من چیزی غیر از آن چه آنان گفته اند نمی گویم. (ابراهیم، ۱۴۲۵ ق: ۲۳۷)

نتیجه این ادعاها (و لو ارتباط در خواب) عدم نیاز به عالمان دین و روحانیت است.

## ۲. ادعای هادی و ارتباط مستقیم با ولی خدا

ارتباط مستقیم و بی واسطه ای با امام زمان عجل الله تعالی فرجه شگرد دیگر مدعیان برای بدل سازی است زیرا وقتی مفاهیم و تعالیم را مستقیماً از خود حضرت فرا می گیرند، علماء جایگاهی نخواهند داشت.

مصادیق این ادعاء در کلمات ایشان به صراحت دیده می شود:

علی یعقوبی یکی از مدعیان معاصر به صراحت از لزوم ارتباط مستقیم با ولی خدا سخن می گوید:

صراط مستقیم، صراط تبعیت از هادی زنده است؛ نه صراط تبعیت از هدایت مکتوب، کسی با هدایت مکتوب، یعنی با قرآن و حدیث نمی تواند از جهنم فتنه های قبل از ظهور عبور کند؛ گیر می کند. (یعقوبی، ۱۳۸۱-۱۳۸۲ ش: جلسه ۳۳، ۴)

آن صفت، آن عنصری که یاوران مهدی شدیداً باید به آن مقید باشند تا در طبقات از ملکوت به بالاتر قرار بگیرند، تبعیت از هادی حی هست. (همو: جلسه ۳۰، ۳۰)

در حوالی ظهور کسی که بخواهد از هدایت به صورت مکتوب تبعیت کند، او هم کم می آورد. کسی که هادی حی را پیدا کند و از او تبعیت کند، او در مقابل فتنه دجال کم نمی آورد. (همو: جلسه ۲۹، ۱۷)

آن کسی که در موضوعات مختلف صد درصد نظر امام را بداند و برایش مبین باشد و بتواند برای دیگران تبیین کند، آن شخص هادی از جانب امام است. (همو: جلسه ۸، ۲۴)

یعقوبی راه رسیدن به ظهور را تبعیت از هادی می داند نه تقلید از علماء. او می گوید:

عزیزان من! برای رفتن به سوی ظهور تقلید کافی نیست؛ جامعه را باید با تبعیت از هادی و تبعیت از ولی و تبعیت از ملک حرکت دهیم و برای این ماجرا تربیت کنیم. (همو: جلسه ۲۰، ۷؛ جلسه ۸، ۲۵)

یعقوبی به صراحت می گوید حکم مسائل مستحدثه را باید از امام عصر عجل الله تعالی فرجه پرسید نه از

فقهاء:

چرا آن خطیب به ما می گوید که ما... کلی منابع فقهی داریم ماشاءالله این همه فقیه و متخصص داریم بیاییم بنشینیم احکام و مسائل را از داخل آیات و احادیث به دست بیاوریم بنده عرض می کنم که نه، دارید اشتباه می کنید مسائل مستحدثه را باید از خود امام بپرسیم. (همو: جلسه ۸، ۱۷)

ای فقهای شیعه... من خودم می توانم آن چیز را که مکتوب است تا حدی پیدا کنم اگر اشتباه بود خودم در قیامت جوابش را می دهم شما یک بار رساله نوشتی کافی است؛ بس است دیگر بیا از این به بعد برای من حجت المهدی باش... شما دارید به خودتان و ما ظلم می کنید بزرگ ترین ظلم را شما دارید به ما می کنید... من از شما استنباط فقهی نمی خواهم... شما بفرمایید نظر امام چیست؟ (همو: جلسه ۷، ۱۰-۱۱)

یعقوبی هر چند در برخی موارد ادعای ارتباط با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را از خود نفی می کند (یعقوبی، ۱۳۸۰ش: جلسه ۷، ۲۶) یا مطرح می کند که الان در زمین هادی نیست (همو: جلسه ۷، ۲۰) ولی با ادعای کرامات و مقامات برای خویش عملاً خود را همان هادی معرفی می کند: کلاً باب انتفاع در نعمات خاصه و قوا بسته است و در این زمانه از نعمات خاصه و قوای مهدوی فقط خضر بهره مند است و مقدار کمی هم بنده بهره مند هستم و امام امضاء کرده اند که بقیه افرادی که واجد نعمات خاصه و برخی از درجات فضل مثل ملکوت و ولایت بودند، به رحمت خدا بروند و ایشان نیز به رحمت خدا رفته اند؛ البته در حال حاضر کسانی هستند که می توانند ملکوت را ببینند؛ ولی به جز خضر و بنده کسی را پیدا نمی کنید که توان ملکوتی داشته باشد. (یعقوبی، ۱۳۸۰ش: جلسه ۸، ۲۶-۲۷)

### ۳. ادعای وصایت و جانشینی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

احمد اسماعیل الگاطع مدعی است که فرزند امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و وصی اوست و پس از ظهور نیز جانشین او خواهد بود و کتاب های وی و طرفدارانش مشحون از این گونه ادعاها است. وی در ادعای علم بی واسطه از امام می گوید:

من در آغاز ورود به حوزه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را ملاقات کرده و از ایشان علوم را آموختم و به سفسطه های یونانی موجود در حوزه اهتمامی نوزیدم. (احمدالحسن، بی تا(د): جواب سؤال ۴۷)

در جای دیگر در پاسخ این که از چه کسانی علم آموخته، چنین می گوید:

احمد حسن به دست امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف درس خوانده و علوم او هیچ ارتباطی به دروس و علوم مراجع ندارد. احمد ناقل علوم امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و مبلغ و زمینه ساز اوست. (احمدالحسن، بی تا(د): سؤال ۲۸)

### راهکارهای مقابله

در مقابل هجمات فرقه ها و مدعیان به علماء دو گونه راهکار برون سازمانی و درون سازمانی توصیه می شود که به شرح ذیل می باشند:

## الف) راهکارهای درون‌سازمانی

### ۱. وحدت رویه و عدم دامن زدن به اختلافات

دامن زدن به اختلافات و وجود تضاد و تقابل در میان علماء، موجب ضعف و از بین رفتن توانایی و قدرت جامعه دینی و رهبران آن می‌گردد؛ و از سوی دیگر، سبب سردرگمی و بروز اختلاف در آحاد جامعه و توجیه‌گر راه‌های غیرعالمانه مدعیان شده، در چنین میدانی زمینه برای جذب افراد به مدعیان فراهم خواهد شد. علماء، با به نمایش گذاشتن اتحاد و همدلی و کم‌اهمیت جلوه دادن اختلاف نظرهای مبنایی - فقهی، راه را بر سوء استفاده دشمنان می‌بندند.

### ۲. تهذیب و تربیت طلاب مستعد

تربیت طلاب مستعد و برنامه‌ریزی جهت تهذیب آنان در کنار علم‌افزایی و رشد و ارتقای علمی آنان، باعث رویش توأمان علم و تقواست و عالم مهذب نه خود زمینه‌ساز و ایجادکننده و متولای جریان‌های انحرافی می‌شود و نه با بی‌سوادی یا کم‌سوادی و عدم تهذب خود، بهانه و توجیه‌گرایش به مدعیان را فراهم می‌آورد.

### ۳. میدان ندادن به عالمان فاسد و رسواگری و افشاگری و برخورد و طرد رهنان علم و عالمان

عالمان فاسد، یکی از مهم‌ترین عاملان رهنی جامعه از راه دین و بهانه‌ای برای جذب افراد به جریان‌های منحرف هستند؛ کنترل، نظارت و برخورد به موقع سازمان روحانیت و عالمان با منحرفان، رسواسازی و طرد این رهنان وظیفه‌ای بسیار مهم و حیاتی است، و برای صیانت از روحانیت لازم است با هرگونه لغزش درون سازمانی به شدت برخورد شده و با نصیحت، تذکر، تنبیه و یا طرد و رسواسازی و تبیین خطا برای مردم، جلوی عالم‌نمایان منحرف گرفته شود.

## ب) راهکارهای برون‌سازمانی

### ۱. تبیین جایگاه و نقش علماء در حفظ دین و مقابله با انحرافات

اهمیت علماء و روحانیت از منظر عقل و نقل بدیهی و روشن و مراجعه به دانایان امری عقلی و منطقی و روش انسان‌های آگاه است. در آیات مراجعه به عالمان مورد تأکید قرار گرفته است: ﴿فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ (انبیاء: ۷؛ نحل: ۴۳) جدای از مصداق واقعی اهل ذکر، رویکرد ارجاع به علم و عالم است و قرآن دانایان را با نادانان یکی نمی‌داند ﴿هَلْ يَسْتَوِي

الَّذِينَ يَغْلُمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ﴿زمر: ۹﴾.

در روایات نیز بر اهمیت علم و عالم و هم بر جایگاه مهم عالمان در مقابله با انحرافات و بدعت‌ها تاکید شده است.

امام هادی علیه السلام می‌فرماید:

اگر کسانی از علماء بعد از غیبت قائم شما باقی نمانند که به سوی او دعوت و راهنمایی کنند و از دین او با دلائل الهی دفاع کنند و بندگان ضعیف خدا را از دام‌های ابلیس و ناصبی‌ها نجات دهند همگی مردم از دین خدا مرتد می‌شوند ولی علماء، قلوب ضعیفان شیعه را حفظ می‌کنند همانند ناخدا که سکان کشتی را می‌گیرد و ایشان نزد خداوند با فضیلت‌ترینند. (طبرسی، ۱۳۸۶ق: ج ۲، ۲۶۰)

امام عصر علیه السلام فرمود:

در رخدادها ی پیش آمده جامعه، به راویان احادیث ما (فقها) مراجعه کنید، که اینان حجّت من بر شمایند و ما حجّت خدائیم. (صدوق، ۱۴۰۵ق: ۴۸۴)

امام صادق علیه السلام فرمود:

نظر کنند بشخصی از خود شما که حدیث ما را روایت کند و در حلال و حرام ما نظر افکند و احکام ما را بفهمد، به حکمیت او راضی شوند همانا من او را حاکم شما قرار دادم؛ اگر طبق دستور ما حکم داد و یکی از آنها از او نپذیرفت همانا حکم خدا را سبک شمرده و ما را رد کرده است، و آن که ما را رد کند خدا را رد کرده و این در مرز شرک به خدا است. (کلینی، بی تا: ج ۷، ۴۱۲)

## ۲. تبیین ریشه‌داری ارجاع به علماء به عنوان وکیل و نائب امام

پیشینه ارجاع به علماء و فقها و نصب آنان به عنوان نواب و وکلا را باید از صدر اسلام جست‌وجو کرد. این گونه نیست که سازمان وکالت و مراجعه به فقها از زمان امام صادق علیه السلام آغاز گشته باشد.

ماموریت افرادی نظیر سلمان فارسی در مدائن، محمد ابن ابی بکر و پس از آن مالک در مصر و...؛ نمونه‌هایی از همین موضوع است. مأموریت آنان تنها إفتاء و تبیین دین با توجه به قرآن و سخنان حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علیه السلام نبوده است بلکه علاوه بر تبیین دین و بیان احکام شرعی و وظیفه قضاوت و بلکه بالاتر مامور به اجرای احکام بوده‌اند.

جمع‌آوری زکات و وجوهات در حوزه مالی و هدایت‌گری در حوزه دین همه وظایف امام امت است که علماء و وکلاء در بلاد از طرف حضرت عهده‌دار آن می‌شدند؛ زیرا پس از گسترش

جغرافیای مناطق شیعی و با توجه به شرایط سخت حاکم بر ائمه اطهار علیهم‌السلام از قبیل زندان و تحت نظر بودن و حصر در عسگر و پادگان و وجود جاسوس‌های فراوان و خطر شهادت امام و یاران و لزوم تقیه؛ مردم به واسطه علماء و وکلا با ائمه علیهم‌السلام در ارتباط بوده و سئوالات و شبهات خویش را می‌پرسیدند و اموال را از طریق ایشان به امام می‌رساندند.

وکالت در زمان امام صادق علیه‌السلام به صورت یک سازمان منسجم درآمد و در دوران غیبت صغری به همان حالت سازمانی و با محوریت امام و در مرتبه پس از امام، سر و کلاه به همراه وکلای جزئی‌تر در زیر مجموعه ادامه داشته است.

با شروع دوران غیبت کبری، بیشتر وظائف سازمان وکالت، توسط نواب عام یا مراجع تقلید انجام می‌شده است و نمایندگان آنان در بلاد عهده‌دار هدایت راهنمایی و حتی جمع‌آوری وجوهات و... بوده‌اند.

وظیفه عالمان دینی با توجه به رسالت سنگینی که بر عهده دارند تولی دین و جامعه به عنوان نیابت و وکالت و ولایت است. فقیه باید متولی دین و جامعه دینی گردد. در امور مختلف بی تفاوت نبوده و راهبری قلوب شیعیان را سرلوحه کار خود قرار دهد که اگر عالمان به هنگام و مناسب ورود نیابند، میدان دار جامعه و تولی دین جاهلان و مدعیان و منحرفان خواهند شد.

### ۳. بیان اهمیت اجتهاد، برهان و استدلال و لزوم مراجعه به کارشناسان دین

یکی از راه‌های مقابله با حربه دشمنان تبیین جایگاه اجتهاد، و اهمیت برهان و استدلال است.

برای انجام تکالیف، معرفت و شناخت لازم است، و یگانه راه شناخت و معرفت تکالیف. با در نظر داشتن صعوبت احتیاط در همه امور - اجتهاد و فقه است. اگر احکام شرعی در همه موضوعات، روشن بود، هر مکلفی می‌توانست حکم را به سادگی شناسایی کند و عمل خویش را بر آن منطبق سازد و نیازی به کاوش و تحقیق نداشت؛ ولی عواملی مانند فاصله زمانی ما با زمان تشریح و نقش علوم گوناگون دیگر در فهم تکالیف، سبب ابهام در شناخت احکام شده است و همین امر سبب پیدایش و گسترش علم فقه شده و علماء با استنباط و اجتهاد، احکام و وظایف مکلفان را مشخص می‌نمایند تا آنان بتوانند اعمال خود را در عبادات، معاملات، سیاسات و امور کیفری بر شریعت منطبق سازند و چون این کار، امری نظری و نیازمند صرف وقت برای تعلم است تمامی افراد جامعه قادر به انجام آن نیستند؛ هم‌چنین اگر همه افراد به



تحصیل ملکه اجتهاد و فقاہت بپردازند، نظام معیشتی جامعه مختل می‌شود، براین اساس تنها لازم است گروهی به این وظیفه اقدام کنند و دیگران به آنان مراجعه کرده و احکام را از آنان فرا گیرند.

در سایر علوم نیز چنین است که برای رفع نیاز جامعه افرادی با صرف وقت و تعلیم و تعلم، دارای تخصص شده و نیازهای هم‌نوعان خود را برطرف می‌سازند و مردم نیز در نیازهای خود به متخصص هر فن مراجعه می‌کنند، و این یک سیره عقلایی شناخته شده است. (برگرفته از دائرةالمعارف قرآن، ج ۲، واژه اجتهاد)

#### ۴. تبیین جایگاه خمس، و تبیین مصارف آن

استنباط و بیان احکام و اجرای دستورات الهی؛ تولی و حفظ و نشر دین، بدون قوت و قدرت ممکن نیست و یکی از مهم‌ترین ابزار آن، قدرت مالی و اقتصادی است و خداوند برای دسترسی معصوم علیه السلام به این توان اقتصادی خمس را واجب نمود و این واجب الهی در عصر غیبت با ارجاع مردم به عالمان و پرداخت حقوق شرعی (خمس و زکات و...) به آنان انجام می‌گیرد و فقیه جامع‌الشرائط بایستی خمس را در مصارفی که مورد رضایت خداوند و معصومین علیهم السلام است هزینه کند.

تبیین دستورات قرآنی و روایی خمس و پاسخ به شبهات و سؤالات درباره خمس و یا اباحه آن و تفاوت آن با مالیات در حکومت اسلامی از سویی و از جهت دیگر تنویر اذهان افراد و تشویق مؤمنان به پرداخت آن وظیفه علماء است، هم‌چنین لازم است مصارف آن از قبیل ترویج دین، کمک به امور عام‌المنفعه و... توسط عالمان دینی و مراجع عظام تقلید اطلاع‌رسانی گردد.

#### ۵. برنامه‌ریزی فرهنگی برای ارتقای دینی و مبارزه با مدعیان و فرق انحرافی

کار فرهنگی از این جهت که بر فرد و جامعه اثرگذار است و صیانت درونی ایجاد می‌کند از اولویت برخوردار است. در مبارزه با انحراف و هجمه فرق انحرافی به علماء، لازم است آحاد جامعه را نسبت به شبه عرفان‌ها، خرده فرهنگ‌های منحرف، فرق انحرافی و مدعیان، خرافات و آسیب‌های ناشی از آن واکسینه کرد و از نفوذ پیشگیری کرد و اگر شخص یا اشخاصی مبتلا شدند با درایت و سرعت نسبت به درمان اعتقادی ایشان اقدام کرد. غفلت علماء از این وظیفه، موجب بهره‌برداری دشمن از این خلاء خواهد شد.

به روز بودن و راهبر بودن در حوادث و امور مختلف و عدم انفعال در حوزه فردی و اجتماعی و مدیریت مؤمنان در ساحت‌های مختلف، راه را بر دشمنان و بدخواهان می‌بندد و در مقابل، عدم انجام وظیفه، به روز نبودن، عدم شناخت زمان و مدیریت لحظه‌ای نداشتن، موجب گمراهی مردم خواهد شد.

هرجا نقش علماء به هردلیلی در جامعه کمرنگ شده است، هجمه و حضور منحرفان و دشمنان بیشتر شده است. خلاء ورود عالمان و یا خلاء تبیین درست توسط آنان را، مدعیان و جریان‌ها با گمانه‌زنی‌ها و حدسیات و وهمیات خود پر می‌کنند.

#### ۶. صیانت از روحانیت در مقابل هجمه‌های بیرونی

در کنار تبیین جایگاه علم و علماء و فرهنگ‌سازی لازم است از بی‌احترامی و اتهام‌زنی به علماء جلوگیری شود و اجازه این کار به هیچ‌کس و در هیچ قالبی داده نشود و جلوی سوءاستفاده و تلبس غیر علماء (تحصیل‌کردگان در حوزه) به لباس روحانیت گرفته شده، و حتی ایفای نقش روحانی و استفاده از لباس روحانیت در فیلم‌ها و سریال‌ها نیز محدود و قاعده‌مند گردد.

#### نتیجه‌گیری

مدعیان و منحرفان عقیدتی، علماء را سدّ راه خود می‌بینند و برای جداکردن جامعه از علماء و یا حذف علماء برنامه‌ریزی دارند و این را به صراحت و یا غیرمستقیم از مدعیان و فرق متعدد می‌توان مشاهده کرد حتی سکولارهای مذهبی یا غیرمذهبی نیز در امر حذف روحانیت با سایر مدعیان مشترکند.

مدعیان با راهکارهای مختلف نظیر ادعای ارتباط مستقیم با امام، عدم اعتناء به اجتهاد و تقلید، متهم ساختن علماء به تقابل با امام، منع پرداخت وجوهات به فقهاء و... به حذف علماء می‌پردازند.

در مقابل علماء با توجه به رسالت خویش با حضور فعالانه در عرصه‌های مختلف عهده‌دار تولی دین و جامعه دینی بوده با تبیین صحیح جایگاه علم و اجتهاد و با شفاف‌سازی فعالیت‌های خود و صیانت از روحانیت در جنبه برون‌سازمانی، و با زدودن اختلافات، تربیت و تهذیب طلاب مستعد و میدان ندادن به عالمان فاسد، در جنبه درون‌سازمانی، می‌توانند مانع دسیسه‌ها و نفوذ مدعیان، و حامیان‌شان گردند.

## منابع

### قرآن کریم

- ابراهیم، محمد زکی، *المدرسة الشیخية*، بیروت، دارالمحجة البيضاء، اول، ۱۴۲۵ق / ۲۰۰۴م.
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، *شرح نهج البلاغة*، قم، مكتبة آية الله المرعشي النجفی، اول، ۱۴۰۴.
- احمد الحسن (احمد بن اسماعیل)، *ادله جامع یمانی*، بی جا، انتشارات انصار الامام المهدي، بی تا (الف).
- \_\_\_\_\_، *المتشابهات*، بی جا، انتشارات انصار الامام المهدي، بی تا (ه).
- \_\_\_\_\_، *نبوت خاتم*، بی جا، انتشارات انصار الامام المهدي، بی تا (و).
- \_\_\_\_\_، *بیان الحق والسداد من الأعداد*، بی جا، انتشارات انصار الامام المهدي، بی تا (ب).
- \_\_\_\_\_، *پاسخ های روشن گرازان امواج*، بی جا، انتشارات انصار الامام المهدي، بی تا (ج).
- \_\_\_\_\_، *الجواب المنیر عبر الاثیر*، بی جا، اصدارات انصار الامام المهدي، بی تا (د).
- تهرانی، جواد، *بھائی چه می گوید؟*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، سوم، ۱۳۴۶ش.
- حجامی، حسین، *به سوی انحراف*، (دیدگاه ها و ادعاهای علی یعقوبی)، بی جا، پژوهشکده مهدویت و آینده پژوهی، بی تا.
- رشتی، کاظم، *مجموعه رسائل*، رساله حجت بالغه، چاپ سنگی، بی تا.
- رضانژاد، عزالدین، *مهدویت و فرقه های انحرافی (۲)*، *فصل نامه علمی-ترویجی انتظار موعود*، ش ۵، ۱۳۸۱ش.
- زاهدانی زاهد، سیدسعید، *بھائیت در ایران*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، اول، ۱۳۸۰ش.
- زرقانی، سیدهادی، *تحلیل و ارزیابی متغیرها و شاخص های قدرت نظامی، راهبرد دفاعی*، شماره ۲۳، دوره ۶، سال ۱، ۲۰۰۹.
- السالم، علاء، *اجوبه الفقیه*، بی جا، اصدارات انصار الامام المهدي، ۱۴۳۲ق / ۲۰۱۱م.
- سایکس، پرسی مولزروف، *تاریخ ایران*، ترجمه سید محمدتقی فخردائی، تهران، دنیای

- کتاب، ۱۳۶۲ ش.
- سلطانی، مصطفی، *آشنایی با جریان‌های انحرافی*، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۴ ش.
- شیرازی، علی محمد، *بیان فارسی*، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
- صدوق، علی بن محمد ابن بابویه، *کمال‌الدین و تمام‌النعمه*، تحقیق: علی اکبر الغفاری، قم، مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين، ۱۴۰۵ ق / ۱۳۶۳ ش.
- طبرسی، فضل بن حسن، *الاحتجاج*، تحقیق: تعلیق و ملاحظات: السيد محمد باقر الخرسان، نجف، دارالنعمان، ۱۳۸۶ ق / ۱۹۶۶ م.
- عرفان، امیر محسن، *مواجهه ائمه با مدعیان مهدویت*، قم، مرکز تخصصی مهدویت، اول، ۱۳۹۴.
- عرفان، امیر محسن؛ صفری فروشانی، نعمت‌الله، *گونه‌شناسی مدعیان دروغین، فصل‌نامه علمی-پژوهشی مشرق موعود*، شماره ۳، تابستان ۱۳۹۳.
- کاظمی قزوینی، سید محمد مهدی، *هدی المنصفین الى الحق المبین*، نجف، العلویه، ۱۳۴۲ ق.
- کاظمی راد، رضا، *موعود باوری و نودینی*، قم، نشر ادیان، اول، ۱۳۹۵ ش.
- کرین، هانری، *مکتب شیخیه از حکمت متعالیه*، ترجمه دکتر فریدون بهمنیار، تهران، تابان، ۱۳۴۶ ش.
- کرمانی، محمد کریم خان، *ارشاد العوام*، کرمان، چاپخانه سعادت، ۱۲۶۵ ش.
- \_\_\_\_\_، *رساله رکن رابع*، کرمان، چاپخانه سعادت، ۱۳۶۸ ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، *اصول الکافی*، تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران، مکتبه الاسلامیه، بی‌تا.
- کورانی، علی، *دجال البصره (احمد اسماعیل کویتع المسمی نفسه: الامام احمد الحسن)*، قم، باقیات، اول، ۱۳۹۱.
- مشکور، محمد جواد، *فرهنگ فرق اسلامی*، با مقدمه و توضیح کاظم مدیر شانه‌چی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، آستان قدس رضوی، پنجم، ۱۳۸۶ ش.
- منصور، عبدالعلی، *البيان المفید فی بیان بدعه التقليد*، بی‌جا، منشورات الانصار، ۱۴۳۳ ق / ۲۰۱۲ م.
- المنصوری، عبدالعلی، *البيان المفید فی بیان بدعه التقليد*، صد و شصتین منشورات الانصار، ۱۴۳۳ ق / ۲۰۱۲ م.

- نجفی، سید محمدباقر، بهائیان، تهران، طهوری، ۱۳۵۷.
- یعقوبی، علی، جزوه چهل شب با کاروان حسینی، بی جا، نشر دفتر جشنواره به سوی ظهور، ۱۳۷۹ ش.
- \_\_\_\_\_، سلسه جزوات به سوی ظهور، بی جا، بی نا، ۱۳۸۰ ش.
- \_\_\_\_\_، سلسه جزوات نظام عالم، بی جا، بی نا، ۱۳۸۱-۱۳۸۲ ش.
- www.Khamenei.ir (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷/۰۶/۰۵)
- <http://ferghenews.com>

